

فصل نامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۴، شماره ۵۱، بهار ۱۴۰۱، صص ۴۳۲-۴۵۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۶

(مقاله پژوهشی)

DOI: [10.30495/dk.2021.1919832.2181](https://doi.org/10.30495/dk.2021.1919832.2181)

تجلی قرآن و حدیث در سعادت نامه شیخ محمود شبستری

حمید عدالت فر^۱، دکتر سید محسن ساجدی راد^۲، دکتر محمدعلی آتش سودا^۳

چکیده

قرآن، نوری است از نور النور به پیامبر گرامی اسلام به واسطه جبریل امین نازل شده است. این کتاب آسمانی چارچوب و اساس دین اسلام را تشکیل می‌دهد، لذا نخستین کتاب و راهنمای اصلی مسلمین است. قرآن و حدیث پیامبر و ائمه اطهار، فرقان و جانمایه فرهنگ مسلمانان بوده و در زندگی آنان راه جسته است. آثار ادبی و هنری و عرفانی مسلمانان با استناد به قرآن و احادیث نبوی، سندیت پیدا می‌کند. ادبیات و زبان فارسی نیز از آن بهره‌مند گردیده است. از جمله آثار ادبی و عرفانی، کتاب سعادت نامه شیخ الاسلام شیخ محمود شبستری، فقیه و عارف برجسته سده هشتم هجری را می‌توان نام برد. این منظومه دارای سه هزار بیت و هشت باب در قالب مثنوی و در وزن خفیف حدیقه الحقیقه سنائی سروده شده است که هر باب دارای فصل‌ها و حکایات و تمثیلات می‌باشد. این منظومه درباره معرفت ذات واجب‌الوجود و صفات و اسما و افعال خداوند است. این مقاله به روش (توصیفی-تحلیلی) می‌کوشد تا تاثیر بلاغی از شگرهای ادبی و اثرپذیری واژگانی را در بهره‌مندی از آیات قرآن و احادیث نشان دهد.

کلید واژگان: شیخ محمود شبستری، سعادت نامه، عرفان، قرآن، حدیث.

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد فسا، دانشگاه آزاد اسلامی، فارس، ایران.

h.edalatfar@gmail.com

^۲ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد فسا، دانشگاه آزاد اسلامی، فارس، ایران. (نویسنده مسئول)

sajedirad2010@yahoo.com

^۳ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد فسا، دانشگاه آزاد اسلامی، فارس، ایران.

atashsowda@gmail.com



روز» دو اثر گران سنگ عرفانی و ادبی خود تا توانسته به قرآن و حدیث به اشکال گوناگون: تلمیح، تضمین، تمثیل، اقتباس، استناد ورزیده و مطالب خود را بدین وسیله پرورانده است.

پیشینه تحقیق

درباره پیشینه تحقیق تطبیق آیات کریمه کلام الله با متون ادبی تحقیقات فراوانی به عمل آمده است اما آنچه مربوط به سعادت‌نامه شیخ الاسلام محمود شبستری باشد هنوز چیزی در دست نیست. ما برای تبرک و تیمن به شرح گلشن راز شیخ محمود شبستری به قلم شمس‌الدین محمد بن علی لاهیجی با نام «مفاتیح الاعجاز» اشاره می‌کنیم که در سال ۸۷۷ نگارش یافته است و با مقدمه کیوان سمعی در سال ۱۳۳۷ شمسی به وسیله انتشارات کتاب فروشی محمودی به چاپ رسیده است و بار دیگر با مقدمه محمدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی در سال ۱۳۷۱ به وسیله انتشارات زوآر به چاپ چهارم رسیده است.

روش تحقیق

این گفتار به روش (توصیفی - تحلیلی) زیر مجموعه روش کتابخانه‌ای همراه با تطبیق آیات و احادیث با اشعار فراهم آمد.

مبانی تحقیق

شیخ محمود شبستری

شیخ محمود شبستری، عارف برجسته سده هشتم (۶۸۷-۷۲۰) ه.ق تولد در شبستر و فوت او نیز در شبستر بود، او در علوم معقول و منقول به جامعیت رسید و آثاری از خود برجای گذاشت که برترین آنها عبارتند از: گلشن راز به شعر در ۹۹۳ بیت که در جواب هفده سؤال امیر سید حسینی هروی در سال ۷۱۷ نگارش یافته و شمس‌الدین محمد بن علی لاهیجی آن را با نام «مفاتیح الاعجاز» شرح کرده است. دیگر آثار او سعادت‌نامه به شعر در سه هزار بیت و در ۸ هشت باب دربردارنده حکایات و تمثیلات و اقوال پنج تن از بزرگان عرفان در آذربایجان است. از آثار منتشر او رساله حق‌الیقین فی معرفه رب‌العالمین و مرات‌المحققین است و دو رساله دیگر (ر.ک: صفا، ۲۵۳۵).

قرآن کریم

قرآن کتاب آسمانی مسلمانان در طول ۲۳ سال بر پیامبر گرامی محمد مصطفی (ص) به واسطه جبرئیل امین نازل گردید. برای آن نام‌هایی چون: فُرْقان، کلام الله مجید، مبین، کتاب،

تنزیل به استناد آیات آن، نام برده اند. قرآن دارای یکصد و چهارده (۱۱۴) سوره بوده و برای آن از ۶۱۸۰ تا ۶۲۳۶ آیه برشمرده‌اند و به روایت ابی عبدالله الحسین (ع) ۶۲۱۷ آیه دارد که در ۳۰ جزء جمع آوری گردیده است. نخستین سوره آن «فاتحه» با ۷ آیه و سپس سوره «بقره» است که ۲۸۶ آیه را دربر می‌گیرد.

سوره پایانی به شماره ۱۱۴ «ناس» نام دارد که شامل ۶ آیه می‌شود.

قراآت قرآن که منسوب به قُراء سبعة است ۷ نوع روایت را دربر دارد. تاریخ نزول قرآن برابر با سال ۶۱۰ میلادی و ۱۳ سال قبل از هجرت پیامبر گرامی است.

حدیث

حدیث، در واژه به معنی سخن نو و تازه و در اصلاح به سخن تازه از پیامبر گرامی و معصومین گفته می‌شود. البته برخی اعتقاد دارند که حدیث، سخن پیغمبر است و آنچه از قول چهارده معصوم نقل می‌شود «خبر» است. و برخی حدیث و خبر را مترادف یکدیگر دانسته‌اند و گروهی نیز معتقدند که سخن پیامبر حدیث و خبر سخن هر که جز او می‌باشد. (ر.ک: موذنی، ۱۳۷۲: ۲۳).

بحث

سعادت‌نامه منظومه ایست در زمینه مسائل کلامی و شبستری ضمن مطرح کردن مباحث اهل کلام و نقد آرا بعضی از متفکران و متکلمان و رد عقاید برخی از فرق و مکاتب به رسم عارفان درباره هر موضوع با عنوان‌های علم‌الیقین، عین‌الیقین و حق‌الیقین بحث می‌کند و در بیان هر مطلب به آیات قرآنی و احادیث نبوی استناد می‌کند.

زانکه «خیر الامور اوسطها» اشرف الکائنات اقسطها

(بیت ۷)

تلمیح است به حدیث نبوی «خیرُ الامورِ اوسطُها» «الکافی (ط-الاسلامیه)» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ص ۵۴۱).

خواننده «قل هذه سبیلی» را داده هر یک بدو دلیلی را

(بیت ۱۰)

تضمین از آیه: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (یوسف، ۱۰۸).

ترجمه: بگو: این است راه من که من و پیروانم بر پایه دلیل و بُرهان روشن به سوی خدا دعوت می کنیم، خداوند [از هر عیب و نقصی] پاک و منزّه است، و من از مشرکان نیستم.

«ءاو لم یکف» در ره ایمان به تمثیل گرفته از قرآن

(بیت ۱۵)

تضمین از آیه: «سُنُّرِهِمْ آيَاتِنَا فِي الْاَلْفَاقِ وَفِي اَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ اَنَّهُ الْحَقُّ اُولَٰئِكَ يَكْفُرُ بِرَبِّكَ اَنَّهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (فصلت، ۵۳).

ترجمه: به زودی نشانه‌های [قدرت و ربوبیت] خود را در کرانه‌ها [ی جهان هستی]، و در وجود خودشان به آن‌ها نشان خواهیم داد تا برای آنان روشن شود که بی‌تردید خداوند حق است، آیا بس نیست که پروردگارت [از جهت وجود و ربوبیت و قدرتش] برای هر چیزی مشهود است؟ [هرچند گروهی بی‌خبر، مشهود بودنش را درک نکنند و از شناختنش در غفلت بمانند]

زان ز سر وجود آگاهند که حریفان «لی مع الله» اند

(بیت ۷)

تضمین است از حدیث نبوی: «لی مع الله وقت لا یسع معی فیه ملک مُقَرَّبٌ ولا نبیُّ مُرْسَلٌ» «اصول کافی» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ص ۴۰۱).

ترجمه: مرا با خداوند وقتی است که در آن وقت هیچ ملک مقرب و هیچ پیغمبر مرسل نمی‌گنجد.

زان طلب کن ز صدر بوبکری جرعه جام «صباً فی صدري»

(بیت ۲۰)

اقتباس است از خبری منسوب به پیامبر ص که درباره ابوبکر فرمود: « ما صبَّ الله تعالی شیئاً فی صدري إلا وصبَّه فی صدر أبو بکر » «منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه» (خوئی، ۱۴۰۰ ق: ۵۱).

ترجمه: آنچه خداوند در سینه من قرار داد به سینه ابوبکر انتقال دادم.

ذوق دانش طلب ز باب علی «أنت منی» شنو خطاب علی

(بیت ۲۳)

مصرع اول تلمیح است به حدیث مشهور «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا» «صحیفه السجادیه» (علی

بن حسین، ۱۳۷۶: (۳۲).

ترجمه: من شهر علم هستم و علی در آن شهر است.

و مصرع دوم تضمین است از سخن پیامبر اکرم ص در باره علی (ع) که فرمود: «أَنْتَ مَنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، أَلَا أَنَّهُ لَأَنْبَى بَعْدِي» «کتاب سلیم بن قیس الهمدانی» (هلالی، ۱۴۰۵ ق: ۷۸۱).

ترجمه: تو نسبت به من به منزله هارون نسبت به موسی هستی جز اینکه بعد از من پیامبری نخواهد بود.

«أَنْكَ مَنِّي وَ أَنَا مِنْكَ» روایتی است که در میان اهل سنت متواتر است و در کتاب صحیح نجاری هم ذکر شده است در این روایت پیامبر گرامی اسلام (ص) خطاب به امیرالمومنین (ع) می‌فرماید: يَا عَلِيُّ أَنْتَ مَنِّي وَ أَنَا مِنْكَ. ای علی تواز من هستی و من از تو.

من در کتاب عرب دارای معانی مختلفی می‌باشد. اکنون باید دانست که کدام یک از معانی در روایت فوق منظور می‌باشد.

در کتاب الفیه ابن مالک، که در زمینه نحو و ادبیات می‌باشد در مورد کلمه «مِن» آمده است: بَعْضٌ وَ بَيْنٌ وَ ابْتَدَاءٌ فِي الْإِمْكَانَةِ بِمِنْ وَ قَدْ تَأْتِي لِبَدَاءِ الْإِزْمَنِ.

طبق سخن فوق «مِن» به تبعیض نیست چرا که معنا در این صورت این گونه می‌شود: یا علی من بعض تو هستم تو بعض من هستی و چنین معنایی حتماً جسارت به ساحت رسول الله است.

معنا کردن «مِن» به صورت «مِن» نشویه هم به این صورت بگوییم یا علی من از تو ناشی شده‌ام تو نیز از من ناشی شده‌ای صحیح نمی‌باشد.

به همین دلیل «مِن» در این سخن فقط بیانیه است که در این صورت معنی چنین می‌باشد: یا علی تو آئینه تمام نمای وجود من هستی من آئینه تمام نمای تو هستم، هرکس در چهره من بنگرد تو را می‌بیند هرکس در چهره تو بنگرد مرا می‌بیند. «سرامد خوبی‌ها، آماج دشمنی‌ها» (یثربی، ۱۳۹۶: ۱۸ - ۱۹).

خاصه بر روضه مطهر پاک الذی قال رَبِّهِ «لَوْلَاكَ»

(بیت ۲۵)

تضمین تحلیل است به حدیث قدسی «لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلاكَ» «عیون اخبار رضا» (ابن بابویه،

بی تا: ۱۶۳).

ترجمه: اگر تو نبودی افلاک را خلق نمی کردم.

وعده خواجه راست گشت الحق
بشنو از جان برآر قول صدق
اهل این دین که یک گروه بدند
تا به هفتاد و سه گروه شدند

(بیت ۶۵ و ۶۶)

تلمیح است به حدیث نبوی که فرمود: «ستفرق امتی علی ثلاث و سبعین فرقة، کلهم فی النار الا فرقة واحدة». «عوالی الثالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیة» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ ق: ۸۳).
ترجمه: امت من به زودی به هفتاد و سه فرقه تقسیم می شوند که کل آنها در آتش اند، مگر یک فرقه.

نیست دعوت مگر به قدر عقول
این چنین آمد از خدا و رسول

(بیت ۸۱)

تلمیح است به حدیث نبوی: «كَلَّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ» «معانی الأخبار» (ابن بابویه، ۱۳۷۷:

۱۵)

ترجمه: در حد فکر شنوندگان برای آنان حرف بزنید.

بعثت انبیا به مذهب و کیش
بود دایم به لفظ امت خویش

(بیت ۸۲)

تلمیح است به آیه «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلَّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (ابراهیم، ۴).

ترجمه: ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم تا [با آن زبان که مورد فهم همگان است حقایق و معارف الهی را] برای آنان بیان کند، پس خداوند هرکس را که بخواهد [به کیفر تکبرش در برابر حق] در گمراهی وامی نهد، و هرکس را که بخواهد هدایت می کند، او توانای شکست ناپذیر و حکیم است.

جمله اشیا به نطق حال فصیح
حامد صانعند در تسبیح

(بیت ۹۵)

تلمیح است به آیه «تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا» (الاسراء، ۴۴).

ترجمه: آسمان‌های هفت گانه و زمین و هرکس در آن‌هاست او را با تسبیح گفتن، [از هر عیب و نقصی] پاک و مبرا می‌دارند، و هیچ چیز نیست مگر این که همراه با ستایش او تسبیح می‌گوید، ولی شما تسبیح آن‌ها را نمی‌فهمید، یقیناً او بردبار و بسیار آمرزنده است.

عقل را هی ز نقل پی در پی از بُی باز خوان «و ان من شی»

(بیت ۹۷)

تضمین است از آیه «تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا» (الاسراء، ۴۴).

ترجمه: آسمان‌های هفت گانه و زمین و هرکس در آن‌هاست او را با تسبیح گفتن، [از هر عیب و نقصی] پاک و مبرا می‌دارند، و هیچ چیز نیست مگر این که همراه با ستایش او تسبیح می‌گوید، ولی شما تسبیح آن‌ها را نمی‌فهمید، یقیناً او بردبار و بسیار آمرزنده است.

به محیط افکن ای خرد زورق جای باطل نماند «جاء الحق»

(بیت ۱۲۰)

تضمین از آیه «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (الاسراء، ۸۱).

ترجمه: [به مشرکان و کافران] بگو: حق آمد، و باطل نابود شد، بی تردید باطل نابود شدنی است.

چند از آیات انفس و آفاق «اولم یکف» خوان علی الاطلاق

(بیت ۱۲۱)

تضمین از آیه: «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (فصلت، ۵۳).

ترجمه: به زودی نشانه‌های [قدرت و ربوبیت] خود را در کرانه‌ها [ی جهان هستی]، و در وجود خودشان به آن‌ها نشان خواهیم داد تا برای آنان روشن شود که بی تردید خداوند حق است، آیا بس نیست که پروردگارت [از جهت وجود و ربوبیت و قدرتش] برای هرچیزی مشهود است؟ [هرچند گروهی بی‌خبر، مشهود بودنش را درک نکنند و از شناختنش در غفلت بمانند].

چه کند با دلیل رأی العین وادی قدس وانگهی نعلین!؟

(بیت ۱۲۴)

تلمیح است به آیه: «إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى» (طه، ۱۲).
ترجمه: منم پروردگار تو، کفش هایت را درآور! زیرا تو در وادی مقدس «طوی» هستی.
وقت «انی انا الله» آمد زود بنه از کف عصای گفت و شنود

(بیت ۱۲۵)

تضمین از آیه «فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» (قصص، ۳۰).
ترجمه: چون نزد آتش آمد، از راست آن وادی در آن قطعه [زمین] خجسته و پُرخیر، از درخت ندا آمد که: ای موسی! به راستی این منم خداوند، پروردگار جهانیان!
ذره بود آنکه از خطاب الست به جواب «بلی» میان در بست

(بیت ۱۲۳)

تضمین از آیه «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ» (الاعراف، ۱۷۲).
ترجمه: هنگامی که پروردگارت از صُلب بنی آدم نسلشان را پدید آورد، و آنان را [از طریق فطرت در ارتباط با پروردگاری‌اش] بر خودشان شاهد گرفت [و گفت: آیا من پروردگار و مدبر امور شما نیستم؟] [انسان‌ها بر پایه فطرتشان با توجه به وابستگی وجودشان، و وجود همه موجودات به پروردگار] گفتند: آری، بر این حقیقت شاهدیم. [این اقرار را گرفتیم] تا روز قیامت نگوئید ما از پروردگاری ات بی‌خبر بودیم!
به تو نزدیکتر ز حبل ورید تو در افتاده در ضلال بعید

(بیت ۱۶۷)

تلمیح است به آیه: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلْمُ مَا تُوسِّسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» (ق، ۱۶).
ترجمه: همانا انسان را آفریدیم و همواره آنچه را درونش [درباره توحید و معاد و دیگر حقایق] به او وسوسه می‌کند می‌دانیم، و ما از رگِ گردن به او نزدیک‌تریم.
از «آلم نخلق» و «الم نجعل» راه یابی به دانش اول

(بیت ۱۹۰)

تضمین است از آیات: «الْم نَخْلُقُكُمْ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ» (المرسلات، ۲۰).

ترجمه: آیا شما را از آبی پست و بی‌ارزش نیافریدیم؟
«أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا» (المرسلات، ۲۵).

ترجمه: آیا زمین را دربرگیرنده [انسان‌ها و دیگر موجودات، و حافظ آنان از پرتاب شدن در فضا] قرار ندادیم؟

« أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ » (البلد، ۸).

ترجمه: آیا برای او دو چشم قرار ندادیم.

خلق را جمله موی پیشانی
همه در دست لطف ربّانی

(بیت ۱۹۷)

تلمیح است به آیه: «كَلَّا لَئِن لَّمْ يَنْتَه لَسَفَعًا بِالنَّاصِيَةِ» (العلق، ۱۵).

ترجمه: چنین نیست [که می‌پندارد]، چنانچه [از اعمال زشتش] بازنايستد، موی جلوی سرش را به قهر می‌گیریم [و به دوزخش می‌کشانیم]

زان جهت نیست هیچ منع و دریغ
شمس «الله نور» و آنگه میغ؟!

(بیت ۱۹۹)

تضمین است از آیه: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُّبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (نور، ۳۵).

ترجمه: خداوند نور آسمان‌ها و زمین است، مثل نورش مانند چراغدانی است که در آن چراغی پُرفروغ است، [و آن] چراغ در میان قندیلی بلورین است که آن قندیل بلورین گویی ستاره درخشانی است، [و آن چراغ با روغنی] افروخته می‌شود [که] از درخت پُرخیر و برکت زیتونی [گرفته شده] که نه شرقی است و نه غربی، [و] روغن آن [از پاکی و صافی] نزدیک است روشنی دهد گرچه آتشی به آن نرسیده باشد، نوری است بر فراز نوری، خداوند هرکس را بخواهد به سوی نورش هدایت می‌کند، خداوند برای مردم مثل‌ها می‌زند [تا حقایق را بفهمند]، و خداوند به همه چیز داناست.

قول «الله غالب» بشنو
تا نمایی به دست دیو گرو

(بیت ۲۰۰)

تضمین از آیه: «وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ لِامْرَأَتِهِ أَكْرِمِي مَثْوَاهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (یوسف، ۲۱).

ترجمه: از اهل مصر کسی که یوسف را خرید به همسرش گفت: جایگاه او را گرامی دار! امید است [در آینده] از او سود فراوانی به ما برسد، یا وی را به فرزندی انتخاب کنیم. این گونه یوسف را در سرزمین [مصر] قُرب و منزلت دادیم، تا تعبیر بخشی از خواب‌ها و حقایق را به او بیاموزیم، و خداوند بر کار خود چیره است، ولی بیشتر مردم دانا[ی به این حقیقت] نیستند.
کرد مقرون به خلق «ثم هدی» که هدایت ز خلق نیست جدا

(بیت ۲۰۲)

تضمین از آیه: «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَىٰ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَىٰ» (طه، ۵۰).
ترجمه: [موسی] پاسخ داد: پروردگار ما کسی است که به هر چیزی آفرینش ویژه آن را بخشید، سپس [به کمال مطلوبش] هدایت کرد.
زانکه از واهب الصور دل و تن همه نیکوست «الذی احسن»

(بیت ۲۰۳)

تضمین از آیه: «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ» (السجده، ۷).
ترجمه: همان کسی که هرچه را آفرید نیکو و شایسته آفرید، و آفرینش انسان [نخستین] را از گِل آغاز کرد.

وصف حسن تو «احسن التقويم» حسن جان متصف به قلب سلیم

(بیت ۲۰۴)

تضمین از آیه: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (التین، ۴).
ترجمه: که ما انسان را در نیکوترین نظم و اعتدال آفریدیم.
در «بدین» است جسم‌ها را گِل و «اصبعین» است باز منزل داد

(بیت ۲۰۵)

مصرع اول: اقتباس از حدیث نبوی: «خَمَرْتُ طِينَةَ آدَمَ بَيْدَىٰ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا» «عَوَالِي اللَّئَالِي الْعَرِيزِيَّةِ فِي الْأَحَادِيثِ الدِّينِيَّةِ» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ ق، ۹۸).
ترجمه: طینت و سرشت آدم را به دست خویش در چهل روز آفریدم.

مصراع دوم: اقتباس از حدیث نبوی: «قلب المؤمن بین الاصبغین من اصابع الرحمن، یقلبها کیف یشاء و متی یشاء» «الکافی (ط_الاسلامیه)» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۳۵۳).
ترجمه: قلب مومن بین دو انگشت از انگشتان خداوند رحمان است که هر طرف که بخواهد برمی‌گرداند.

جان به فطرت ز ایزد آگاه است لوح بی رنگ «صبغه الله» است

(بیت ۲۰۷)

تضمین از آیه: «حَافِظُوا عَلَی الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ» (بقره، ۲۳۸).
ترجمه: بر همه نمازها به ویژه نماز میانه [که بنا بر بعضی از روایات، نماز ظهر است]، محافظت کنید! و [هنگام عبادت]، فروتنانه برای خدا به پاخیزید!

نشود نیک، بد به هیچ سبیل باز جو قول حق که «لا تبدیل»

(بیت ۲۰۸)

مصراع اول تضمین از آیه: «لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِی الْحَیَاةِ الدُّنْیَا وَفِی الْآخِرَةِ لَا تَبْدِیلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ» (یونس، ۶۴).
ترجمه: در زندگی دنیا و آخرت مزده الهی برای آنان است، [در دنیا به وسیله وحی، و در آخرت با خطاب خداوند و فرشتگان]، در بشارت‌ها و وعده‌های خداوند هیچ تغییری راه ندارد، این است کامیابی بزرگ!

مصراع دوم تضمین از آیه: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّینِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِی فَطَرَ النَّاسَ عَلَیْهَا لَا تَبْدِیلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَٰلِكَ الدِّینُ الْقَیِّمُ وَلَٰكِنَّا أَكْثَرَ النَّاسِ لَا یَعْلَمُونَ» (الروم، ۳۰).

ترجمه: پس [با توجه به پوچ بودن فرهنگ شرک]، با همه وجودت و بدون هیچ انحرافی به دین یکتاپرستی روی آور! [و بر] فطرت الهی که مردم را براساس آن پدید آورده [ملازم و پابرجا باش!] برای آفرینش خداوند [که انسان را بر پایه فطرت می‌آفریند] هیچ‌گونه تغییری نخواهد بود، این است دین استوار، ولی بیشتر مردم [این حقیقت را] نمی‌دانند.

«اسفل السافلین» توئی تو بود که تو را کار «بل اضل» فرمود

(بیت ۲۱۴)

مصراع اول تضمین از آیه: «ثُمَّ رَدَدْنَا أَسْفَلَ سَافِلِینَ» (التین، ۵).

ترجمه: سپس او را [به سبب گناهانش و اصرار بر آنها] به پست‌ترین پست‌ها بازگردانیم.

مصرع دوم تضمین از آیه: «أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا» (فرقان، ۴۴).

ترجمه: آیا گمان می‌کنی بیشتر آنان [دعوت حق را] می‌شنوند، یا [در حقایق] می‌اندیشند؟ آنان جز مانند چهارپایان نیستند، بلکه در اوج گمراهی اند.

بنگر اکنون ز اوج مهر یقین در چَهِ ظلمت «ضلال مبین»

(بیت ۲۱۵)

تضمین از آیه: «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ أَرَزَرَأْتَنخِذُ أَصْنَامًا آلِهَةً إِنِّي أُرَاكَ وَفَوَومَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (الانعام، ۷۴).

ترجمه: [به یاد آرید] هنگامی که ابراهیم به پدر [خوانده] خود آزر گفت: آیا بُت‌ها [ی بی‌هویت و بدون اثر] را به عنوان معبود انتخاب می‌کنی؟ من تو و قومت را در گمراهی آشکار می‌بینم.

در «انا الدهر» سر مکنون است من بگویم تو خود بدان چون است

(بیت ۲۲۳)

تلمیح است به حدیث نبوی: «يُؤذِنِي ابْنُ آدَمَ يَسُبُّ الدَّهْرَ وَأَنَا الدَّهْرُ بِيَدِي الأَمْرُ أَقْلِبُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ.» (نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ص)) «(پاینده، ۱۳۸۲: ۵۹۳»

ترجمه: خداوند می‌فرماید فرزند آدم مرا آزار می‌کند که به روزگار ناسزا می‌گوید، روزگار منم و کارها به دست من است و شب و روز را تغییر می‌دهم.

به هر آن سو که گردد آن گمراه گر بداند «فثم وجه الله»

(بیت ۲۲۴)

تضمین از آیه: «وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (البقره، ۱۱۵).

ترجمه: مالکیت شرق و غرب فقط ویژه خداست پس به هر کجا رو کنید آن جا به سوی خداست، مسلماً خدا بسیار عطاکننده و داناست.

«مثل الاعلی» آمد از قرآن ذات حق را برای کشف و بیان

(بیت ۲۳۳)

تضمین از آیه: «لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ السَّوْءِ وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الأَعْلَى وَهُوَ العَزِيزُ الْحَكِيمُ» (النحل، ۶۰).

ترجمه: برای کسانی که به آخرت ایمان ندارند صفات زشت [و سیرت بد] است، صفات برتر و والا ویژه خداست، او توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است.

عذرشان خواست ایزد از سر حلم قوله «مالهم به من علم»

۴۴۵

(بیت ۲۴۰)

تضمین از آیه: «وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا» (النساء، ۱۵۷).

ترجمه: و به سبب این گفتار [سراسر دروغ] شان که گفتند: ما عیسی بن مریم فرستاده خدا را کشتیم. [به خواری دنیا و آتش دوزخ محکومشان کردیم،] در صورتی که او را نکشتند و به صلیب نیاویختند، بلکه [شخص دیگری به جای عیسی] بر آنان مشتبه شد، [و مشتبه شده را به صلیب کشیدند،] و آنان که درباره وضع او دچار اختلاف شدند در مورد وی در تردیدند، و جز پیروی از گمان واهی هیچ آگاهی به [سرگذشت] عیسی ندارند؛ و یقیناً او را نکشتند.

«شهدالله» تو بشنو و تو بگو «أنه لا إله الا هو»

(بیت ۲۴۲)

تضمین از آیه: «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (آل عمران، ۱۸).

ترجمه: خداوند در حالی که [به کارگردانی در همه امور هستی] قائم به عدالت است، [با زبان وحی و نظام استوار آفرینش و وحدت حاکمیت در خلقت،] گواهی می‌دهد که هیچ معبودی جز او نیست، و فرشتگان و دانشمندان نیز [گواهی می‌دهند که] جز او معبودی وجود ندارد، [معبودی] که توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است.

نیست اندر یقین مجال گمان رو «أفی الله شک» برایشان خوان

(بیت ۲۴۳)

تضمین از آیه: «قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِی اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرَكُمْ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى قَالُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتُونَا بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ» (ابراهیم، ۱۰).

ترجمه: پیامبران‌شان گفتند: آیا در وجود خداوند یکتا که پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین است

شکی هست؟ او شما را [به توحید و آخرت و معارفِ سعادت بخش] دعوت می‌کند تا [با مؤمن شدن به آن‌ها] بخشی از گناهانتان را بیامزد، و شما را تا [سرآمدن عمر طبیعی و] زمان مقرر شده مهلت دهد [و جوان مرگتان نکند]، [در پاسخ پیامبران] گفتند: شما چون ما جز بشری [عادی و معمولی] نیستند که می‌خواهید ما را از معبودانی که پدرانمان می‌پرستیدند بازدارید، شما [برای اثبات صدق رسالت خود] معجزه و دلیلِ روشنی [که مورد پسند ما باشد] بیاورید.

جزوهای جهان ز کوه و زکاه همه در «لا إله إلا الله»

(بیت ۲۴۵)

تضمین از آیه: «فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ» (محمد، ۱۹).

ترجمه: بنابراین بدان که هیچ معبودی جز خدا نیست، و از بین رفتن آنچه [از توطئه‌ها و موانع پیشرفت اسلام از طرف دشمنان] که بر تو و مردان و زنان مؤمن تحمیل شده [از خداوند] بخواه، خداوند جایگاه حرکت شما و قرارگاهتان را می‌داند.

«قل هو الله» گفت با تو احد باز «الله» گفت فرد و «صمد»

(بیت ۲۴۶)

تضمین از آیه: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» «اللَّهُ الصَّمَدُ» (الاحلاص، ۱ و ۲).

ترجمه: بگو: حقیقت این است که خداوند، یگانه بی‌همتا است. خداوندی که [از همه موجودات] بی‌نیاز [و مرجع و ملجأ همه نیازمندان جهان هستی] است.

لفظ قرآن و معنی برهان قول «لو كان فيهما» را دان

(بیت ۲۵۱)

تضمین از آیه: «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ» (الانبياء، ۲۲).

ترجمه: اگر در آسمان و زمین جز خداوند، معبودانی وجود داشت بی‌شک هر دو تباه می‌شدند، پس منزّه است خداوند صاحب عرش از اوصاف باطلی که [او را به آن] وصف می‌کنند.

گفته داریم نه خاص روزشمار «لمن الملك واحد القهار»

(بیت ۲۶۷)

تضمین از آیه: «يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ لَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ» (غافر، ۱۶).

ترجمه: روزی که همه انسان‌ها حاضر می‌شوند [و اعمال و اسرارشان آشکار می‌گردد]، چیزی از آنان بر خدا پوشیده نمی‌ماند، [و ندا آید: امروز فرمانروایی مطلق ویژه کیست؟ ویژه خداوند یگانه قاهر [و چیره بر همه امور] است.

بر تو بگشود سرّ این مشکل سرّ معنی «کیف مد الظل»

(بیت ۳۰۸)

تضمین از آیه: «الْم تَرِ إِلَىٰ رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظَّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا» (الفرقان، ۴۵).

ترجمه: آیا در [قدرت و مشیت] پروردگارت نیندیشیدی که چگونه سایه را گستراند و حرکت داد؟ اگر می‌خواست آن را ساکن می‌کرد، آن گاه خورشید را دلیل آن قرار دادیم.

تا شود کشف بر تو «خلق جدید» باز دان سرّ «قرب حبل ورید»

(بیت ۳۱۵)

مصرع اول تضمین از آیه: «وَإِنْ تَعْجَبَ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ إِذَا كُنَّا تُرَابًا إِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ وَأُولَٰئِكَ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (الرعد، ۵).

ترجمه: اگر اهل شگفتی هستی، شگفت‌آور گفتار منکران [متکبر لجوج] است که [بدون توجه به قدرت خداوند که آثارش در جهان طبیعت مقابل چشم و عقل آنان است] اظهار می‌دارند: آیا ما هنگامی که [پس از مرگ] خاک شدیم به راستی در آفرینش جدیدی قرار خواهیم گرفت؟! اینان به پروردگارشان کافرند، و در گردنشان بندها [یی از گمراهی در دنیا] و زنجیرهایی [از عذاب در آخرت] است، اهل آتشند و در آن جاودانه‌اند.

مصرع دوم تضمین از آیه: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلْمُ مَا تُوسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَحَنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» (ق، ۱۶).

ترجمه: همانا انسان را آفریدیم و همواره آنچه را درونش [درباره توحید و معاد و دیگر حقایق] به او وسوسه می‌کند می‌دانیم، و ما از رگ گردن به او نزدیک‌تریم.

«هو فی شأن» همیشه حق را دان خلق را «کل من علیهان فان»

(بیت ۳۱۶۵)

مصرع اول تضمین از آیه: «يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ» (الرحمن، ۲۹).

ترجمه: هر که در آسمان‌ها و زمین است [وسائل تأمین کننده نیازهایش را] از او درخواست می‌کند، و او هر روز در کاری است.

مصرع دوم تضمین از آیه: «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ» (الرحمن، ۲۶).

ترجمه: همه زمینیان فانی شدند.

رهنمای من و تو از قرآن از «قل الله ثم ذرهم» دان

(بیت ۳۲۹)

تضمین از آیه: «وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيَّ بَشَرًا مِنْ شَيْءٍ قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَهُدًى لِلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَأِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا وَعَلَّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ» (الانعام، ۹۱).

ترجمه: [یهودیان سفسطه‌گر و ضد اسلام] خداوند را آن گونه که شایسته قدرشناسی اوست قدرشناسی نکردند، چون گفتند: خداوند به سوی هیچ بشری چیزی نفرستاده است، بگو: کتابی را که موسی آورده چه کسی فرستاده؟ درحالی که روشنگر [حقایق] و هدایتگر [به سوی احکام] است، شما آن را در صفحاتی ثبت می‌کنید، بخشی از آن را [که دلخواه شماست برای مردم] آشکار می‌کنید، و بسیاری از آن را [که حاوی صفات پیامبر و گواه نبوت او و حقانیت قرآن است] پنهان می‌دارید! درحالی که آنچه را شما و پدرانتان نمی‌دانستید [به وسیله تورات] تعلیم گرفتید، بگو: فقط خدا. سپس آنان را رها کن تا در بیهوده‌گویی و بازیگری شان فروروند!

صابی مشرک ستاره پرست کوز «انعام بل اضل» بتر است

(بیت ۳۸۱)

اقتباس از آیه «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (اعراف، ۱۷۹).

ترجمه: بسیاری از جنیان و آدمیان را [که می‌دانیم همواره به اختیار خودشان کفر را بر ایمان ترجیح داده، و لیاقت بهشتی شدن را از دست می‌دهند] برای دوزخ آفریدیم؛ زیرا آنان دل‌هایی

دارند که [در فهم معارف سعادت بخش اسلام] به کار نمی‌گیرند، و چشم‌هایی دارند [که به سبب دل‌مشغولی‌های فراوان به امور مادی، آثار و نشانه‌های حق را] با آن نمی‌بینند، و گوش‌هایی دارند که [سخن حق را] با آن نمی‌شنوند، اینان مانند چهارپایانند، بلکه گمراه‌تر، اینان [از معارف و حقایق الهی] بی‌خبرند.

قدر کوكب به نزد حق نه كم است قول «والنجم» آیت قَسَم است

(بیت ۳۹۲)

تضمین از آیه: «وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ» (النجم، ۱).

ترجمه: سوگند به ستارگان هنگامی که غروب می‌کنند!

ای موحد ز ذوق دل بر خوان «أإله مع الله» از قرآن

(بیت ۴۲۲)

تضمین از آیه: «أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ بَلٌّ أَكْثَرُ لَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» (النمل، ۶۱).

ترجمه: [آیا معبودان شما در امور هستی مؤثرند] یا آن که زمین را قرارگاهی [برای اهلش] ساخت، و در شکاف‌هایش نه‌هایی پدید آورد، و برای آن کوه‌هایی استوار [برای جلوگیری از متلاشی شدنش] قرار داد، و بین دو دریا [ی شور و شیرین] حایلی گذاشت [که با هم مخلوط نشوند]؟ آیا با خداوند معبود دیگری هست [که شریک در قدرت و ربوبیت او باشد]؟ بلکه بیشترشان دانا [ی به حقایق] نیستند.

نتیجه‌گیری

چون شیخ محمود مردی فقیه و عالم به علوم منقول و معقول اسلامی و قرآن و حدیث است لذا کاربرد آیات و احادیث در کلیه آثار او چه گلشن راز و چه سعادت‌نامه و آثار منشورش ویژگی سبکی او به شمار می‌رود زیرا دارای بسامد و فراوانی است. او چون یک معلم حوزوی با تکیه بر فرهنگ قرآن و حدیث نبوی آموزه‌های خود را ارائه می‌دهد. در این نوع از کاربرد قرآن و حدیث توسط شیخ محمود سه نکته از همه بیشتر جلوه می‌کند که عبارتند از الف: شبستری بیشتر توجه به کاربرد آیات قرآن دارد و از حدیث کمتر استفاده می‌کند. شیخ محمود شبستری علاوه از بیان نکات عرفان نظری براساس قرارداد سخن خود بر نکته قرآنی و اثرپذیر ساختن شگردهای بلاغی مورد توجه، با هنر ادبی منحصر به فرد زمینه مناسب برای

جلوه‌های هنری به وجود می‌آورد. همین طور آشکار می‌شود روش تاثیرپذیری شبستری از نوع اثرپذیری الهامی - الهامی که پیوند بین ترجمه از آیه و حدیث را در شعر با همواری پیش برده است. شیخ محمود شبستری در مطالب خود از آیات قرآن و احادیث استدلال می‌کند تا صحت نظر خود را به اثبات برساند گاهی آنچنان به آیات و احادیث توسل می‌جوید و آن‌ها را به صورت استشهاد پشت سر هم می‌آورد که تمامی صفحه متن مزین به آیات قرآن و احادیث می‌شود.

منابع

کتاب‌ها

قرآن کریم.

ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵ق) *عوالی الثالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیه*، ترجمه عراقی، چاپ اول، قم: دار سیدالشهداء للنشر.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق) *من لایحضره الفقیه*، به کوشش علی اکبرغفاری، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به مجامع مدرسین حوزه علمیه قم.

بلخی، مولانا جلال الدین محمد (۱۳۷۴) *مثنوی معنوی*، به تصحیح نیکلسون، تهران: نشر عرفان.

پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲) *نهج الفصاحه*، تهران: دنیای دانش.

جلالی ناعینی، محمد رضا (۱۳۶۵) *تاریخ جمع قرآن کریم*، چاپ اول، تهران: انتشارات گلگشت نشر نقره.

حافظ برسی، رجب بن محمد (۱۴۲۲ق) *مشارق انوار الیقین فی حقایق اسرار امیرالمومنین (ع)*، به اهتمام سیدعلی عاشور، چاپ اول، تهران: اعلمی.

حلبی، علی اصغر (۱۳۷۷) *تجلی قرآن و حدیث در ادبیات فارسی*، چاپ پنجم، تهران: اساطیر.

دزفولیان، کاظم (۱۳۸۴) *گلشن راز شیخ محمود شبستری*، تهران: نشر طلایه.

قبادیانی، ناصر خسرو (۱۳۹۳) *دیوان اشعار*، به اهتمام مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

راستگو، سید محمد (۱۳۹۲) تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، چاپ دهم، تهران: سمت.

زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۶) سرنی، چاپ یازدهم، تهران: نشر علمی.

شبستری، شیخ محمود (۱۳۷۶) گلشن راز، به اهتمام کاظم دزفولیان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۶) شرح اصول کافی، چاپ اول، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

صفا، ذبیح الله (۲۵۳۵) تاریخ ادبیات در ایران، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران. لاهیجی، شمس‌الدین محمد (۱۳۳۷) مفاتیح الاعجاز، مقدمه کیوان سمیعی، تهران: انتشارات محمودی.

لاهیجی، شمس‌الدین محمد (۱۳۳۷) مفاتیح الاعجاز، مقدمه محمدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران: انتشارات زوار.

کراچی، علامه محمد بن علی (بی تا) ترجمه کنز الفوائد، به کوشش محمدباقر کمره‌ای، ایران: ناشر (بی نا).

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق) الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مجدوب تبریزی، محمد (۱۳۸۷) الهدایا لشیعه ائمه الهدی، به کوشش درایتی، چاپ اول، تهران: دارالحدیث.

مجلسی، محمد تقی بن مقصود علی (۱۴۰۳ ق) بحارالانوار، به اهتمام موسوی کرمانی و اشتهاری، چاپ دوم، قم: موسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۶ ق) روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، به کوشش جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت: دارالحیاء التراث العربی.

مودنی، علی محمد (۱۳۷۲) در قلمرو آفتاب، چاپ اول، تهران: انتشارات قدیانی.

موحد، صمد (۱۳۶۵) مجموعه آثار شیخ محمود شبستری، تهران: نشر طهوری.

وری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ ق) مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چاپ اول، قم:

References

Books

The Holy Quran.

Balkhi, Maulana Jalaluddin Mohammad (1996) **Masnavi Manavi**, edited by Nicholson, Tehran: Erfan Publishing.

Dezfulian, Kazem (2005) **Golshan Raz Sheikh Mahmoud Shabestari**, Tehran: Talaieh Publishing.

Ghobadiani, Nasser Khosrow (2014) **Poetry Divan**, by Mojtaba Minavi and Mehdi Mohaghegh, Tehran: Tehran University Press.

Hafiz Barsi, Rajab Ibn Muhammad (2001) **Mashreq Anwar Al-Yaqeen Fi Haqeeqiq Asrar Amir Al-Momenin (AS)**, by Seyyed Ali Ashour, First Edition, Tehran: Alami.

Halabi, Ali Asghar (1998) **The Manifestation of Quran and Hadith in Persian Literature**, Fifth Edition, Tehran: Myths.

Ibn Abi Jumhur, Muhammad ibn Zayn al-Din (1985) **Awali al-La'ali al-Azizyya fi al-Hadith al-Diniyah**, Iraqi translation, first edition, Qom: Dar al-Sayyid al-Shuhada for publication.

Ibn Babawiyah, Muhammad ibn Ali (1993) **Man Layehdhra al-Faqih**, by Ali Akbar Ghaffari, second edition, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the teachers' associations of the seminary of Qom.

Jalali Naeini, Mohammad Reza (1986) **The History of Collecting the Holy Quran**, First Edition, Tehran: Golgasht Publications, Silver Publishing.

Karachi, Allama Mohammad Ibn Ali (unpublished) **Translated by Kanz al-Fawid**, edited by Mohammad Baqir Kamrahi, Iran: Publisher (unpublished).

Klini, Mohammad Ibn Ya'qub (1987) **Al-Kafi**, edited by Ali Akbar Ghaffari, fourth edition, Tehran: Islamic Library.

Lahiji, Shamsuddin Mohammad (1959) **Mafatih al-Ijaz**, Introduction by Keyvan Samiei, Tehran: Mahmoudi Publications.

Lahiji, Shamsuddin Mohammad (1959) **The Keys of Miracle**, Introduction by Mohammad Reza Barzegar Khaleghi and Effat Karbasi, Tehran: Zavar Publications.

Majlisi, Mohammad Baqir bin Mohammad Taqi (1986) **Rozat al-Muttaqin fi Sharh min La Yahdhra al-Faqih**, by the collective efforts of scholars, second edition, Beirut: Dar al-Haya al-Tharath al-Arabi.

Majlisi, Mohammad Taqi Ibn Maghsoud Ali (1983) **Baharalanvar**, by Mousavi Kermani and Ashtari, Second Edition, Qom: Islamic Cultural Institute of Kushanbor.

Majzoob Tabrizi, Mohammad (2008) **Al-Hedaya Lia'a of the Imams of Al-Huda**, by the effort of Drayati, first edition, Tehran: Dar al-Hadith.

Moazani, Ali Mohammad (1994) **in the realm of the sun**, first edition, Tehran: Ghadyani Publications.

Movahed, Samad (1986) **Collection of works of Sheikh Mahmoud Shabestari**, Tehran: Tahoori Publishing.

Payende, Abolghasem (2003) **Nahj al-Fasaha**, Tehran: The World of Knowledge.

Rastgoo, Seyyed Mohammad (2013) **Manifestation of Quran and Hadith in Persian Poetry**, Tenth Edition, Tehran: Samat.

Sadr al-Din Shirazi, Mohammad Ibn Ibrahim (2007) **Description of Sufficient Principles**, First Edition, Tehran: Institute of Cultural Studies and Research.

Safa, Zabihollah (2535) **History of Literature in Iran**, Second Edition, Tehran: University of Tehran Press.

Shabestari, Sheikh Mahmoud (1997) **Golshan Raz**, by Kazem Dezfulian, Tehran: University Publishing Center.

Wari, Hussein Ibn Muhammad Taqi (1988) **Mustadrak al-Wasa'il wa Mustanbat al-Masa'il**, first edition, Qom: Al-Bayt Institute, peace be upon him.

Zarrinkoob, Abdolhossein (2007) **Secret of straw**, 11th edition, Tehran: Scientific publication.

Scientific Quarterly of Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts
(Dehkhoda)

Volume 14, Number 51, Spring 2022, pp. 432-454

Date of receipt: 17/1/2021, Date of acceptance: 24/2/2021

(Research Article)

DOI: [10.30495/dk.2021.1919832.2181](https://doi.org/10.30495/dk.2021.1919832.2181)

Manifestation of Quran and Hadith in Saadatnameh of Sheikh Mahmoud Shabestari

Hamid Adalatfar¹, Dr. Seyed Mohsen Sajedirad², Dr. Mohammad Ali Atashsuda³

Abstract

Masnavi Golshan Raz is the most important and famous work of poetry by Sheikh Mahmoud Shabestari, which contains his mystical thoughts. Despite its small size, this book is one of the most valuable relics of ancient Persian mystical literature, in which the expression of Sufi concepts is accompanied by passion and enthusiasm. Shabestari composed this Masnavi in response to the questions of Amir Hossein Heravi. Shabestari composed this Masnavi in response to the questions of Amir Hossein Heravi. On the 17th of Shawwal, 717 AH, an envoy from Khorasan quotes problems and issues related to understanding and explaining some of the mysteries of mystical allusions in the form of poetic letters in a meeting with Shabestari, in which Shabestari has responded. Golshan-e-Raz's poem has the beauty of words and expressions, it is based on reason and wisdom more than it originates from imagination. In fact, the contents of this poem are a summary of the conquests of Mecca and even Ibn Arabi's Fusus. The degree of familiarity and mastery of Sheikh Mahmoud Shabestari, the great mystic, over the Qur'an and hadiths to some extent in expressing his mystical secrets in the form of guarantee, he uses allusions to the verses of the Holy Quran and the hadiths of the Prophet to prove his views. Blessed and noble hadiths. This article tries to show the rhetorical effect of literary techniques and lexical effectiveness on the use of the Qur'an and Hadith in a (descriptive-analytical) method. Page and bit number.

Keywords: Quran, Hadith, Secret Garden, guaranteed, allusions.

¹ . PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Fasa Branch, Islamic Azad University, Fars, Iran. h.edalatfar@gmail.com

² . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Fasa Branch, Islamic Azad University, Fars, Iran. (Corresponding Author) sajedirad2010@yahoo.com

³ . Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Fasa Branch, Islamic Azad University, Fars, Iran. atashsowda@gmail.com

